

فرماندهی معظم کل قوا: نقشه دشمن را بشناسیم. اگر نقشه دشمن را شناختیم، امکان تدبیر در مقابل این نقشه به وجود می‌آید؛ اما اگر نقشه دشمن را نشناختیم، امکان تدبیر وجود نخواهد داشت؛ در پیدا کردن راه خودمان اشتباه می‌کنیم، در عملکرد خودمان اشتباه می‌کنیم. (۱۳۹۲/۳/۱۷)

بررسی عوامل بازدارنده آمریکا در تعرض به منافع امنیتی ج.ا.ایران در خلیج فارس در سه دهه گذشته در بُعد نیروی دریایی^۱

یوسف کریمی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۱۳

چکیده

جدی‌ترین تهدید ج.ا.ایران، آمریکا است که از نظر نظامی یک کشور دریایی است. هدف تحقیق پاسخ به این پرسش است که در سه دهه گذشته چه عواملی موجب بازدارندگی آمریکا در تعرض به منافع امنیتی ج.ا.ایران در خلیج فارس شده است؟ در این پژوهش از روش توصیفی تحلیلی و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی و از ابزار پرسشنامه به منظور کمی کردن داده‌ها استفاده شده است. یافته‌های تحقیق به صاحب‌نظران نمونه آماری ۱۰۰ نفره ارائه شد و سپس با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج به دست آمده تأکید بر تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی، نیروی انسانی، قابلیت‌های تجهیزاتی و راهکنشی نیروهای دریایی ایران و... در بازدارندگی نیروی دریایی آمریکا در تعرض به منافع ملی ایران دارد. البته آمریکا در گذشته ضرباتی را به منافع ج.ا.ایران وارد کرده ولی عوامل بازدارنده مورد بحث مانع از واردشدن ضربات بیشتر بوده اند، پس ج.ا.ایران برای حفظ و ارتقای بازدارندگی، باید نسبت به خلق و افزایش عوامل و مؤلفه‌های جدید، اقدام‌های مناسبی را برنامه‌ریزی و اجرا کند.

واژگان کلیدی: راهبرد، منافع ملی، بازدارندگی، جنگ ناهمگون، خلیج فارس

۱. این مقاله برگرفته از یافته‌های یکی از طرح‌های تحقیقاتی انجام شده در مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی ارائه شده است.

۲. استادیار دانشگاه امام حسین (ع)

۱. کلیات

تجلی کامل دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران و بروز عینی تهدید، در سال ۱۳۶۵ و ابتدای سال ۱۳۶۶ همراه با حضور علنی و جانبدارانه آمریکا از عراق در خلیج فارس بود. در این منطقه فقط تجهیزات نظامی آمریکا حضور ندارد، بلکه منافع حیاتی و عوامل امنیت ملی ایالات متحده نیز در آن قرار دارد. براساس رهنامه، قوانین و ادبیات سیاسی آمریکا، منافع حیاتی و امنیت ملی، آن چیزی است که وقتی مورد خطر قرار گیرد، اصل موضوعیت آمریکا مورد خطر قرار می‌گیرد. اگر آمریکایی‌ها در خلیج فارس در شرایط شکست قرار بگیرند، به مثابه این است که در سرزمین اصلی خودشان شکست خورده‌اند و آن هم به این دلیل است که در خلیج فارس عواملی نهفته که مربوط به خود این منطقه نیست، بلکه مربوط به همه کشورهای است که منافعی در این منطقه است. به همین دلیل، کوچک‌ترین مسئله‌ای در اینجا، جنبه بین‌المللی داشته و دنیا از آن متأثر می‌شود.

دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران و حضور گسترده با هدف‌های توسعه‌طلبانه این کشور در منطقه‌ای که به عنوان منبع انرژی جهان از آن یاد می‌شود و منافع حیاتی ج.ا.ایران نیز در آن قرار دارد. دخالت در مسائل ژئوپلیتیکی، نظامی و امنیتی منطقه، موجب گردید ایران، نیروی دریایی سپاه پاسداران را به عنوان یک مجموعه نظامی پرانگیزه در کنار نیروی دریایی ارتش برای مقابله با تهدیدها و در دفاع از منافع کشور در ۱۳۶۵ تشکیل دهد و این نیرو به سرعت توسعه یافت و توانست با بهره‌گیری از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در خلیج فارس، در جنگ نفت‌کش‌ها و مقابله با زیاده‌خواهی‌های آمریکا در خلیج فارس کارنامه درخشانی از خود به جای بگذارد و مانع و چالشی در برابر تهدیدهای آمریکا باشد.

۱-۱. بیان مسئله

وقوع انقلاب اسلامی و تأثیر امواج فرهنگی انقلاب در کشورهای همسایه و جهان و به‌ویژه خاورمیانه و آفریقا که در طول تاریخ استعمار نو، از مهم‌ترین پایگاه‌های فرهنگ و تمدن اسلامی بوده، خروج ایران از سنت و فروپاشی شوروی از یک‌سو و تعارض بین منافع ملی ایران و آمریکا که ناشی از تعارض جهان‌بینی اسلام ناب و نظام لیبرال دموکراسی حاکم در غرب است، در مجموع شرایطی را به‌وجود آورد که دولتمردان آمریکا، نظام اسلامی ایران را دشمن خود پنداشته و پیوسته درصدد تضعیف و براندازی آن برآیند. تقابل نیروی دریایی آمریکا با نیروی دریایی جمهوری اسلامی در سه دهه گذشته، از مباحثی راهبردی است که ریشه در جایگاه، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران اسلامی دارد.

تحولات پس از وقوع انقلاب اسلامی و خروج ایران از اردوگاه غرب سبب گردید تا راهبرد منطقه‌ای آمریکا، به‌ویژه در حوزه خلیج فارس و تنگه هرمز برای واپایش و مقابله با انقلاب اسلامی ایران دستخوش تحول گردد. حضور مستقیم نیروی دریایی آمریکا در منطقه برای واپایش و حفظ منافع این کشور سبب شد تا ایران ضمن حفظ بافت توان نظامی خود در دریای عمان در قالب نیروی دریایی ارتش، نیروی دریایی سپاه پاسداران را به‌منظور افزایش قدرت دریایی، ایجاد بازدارندگی در برابر نیروهای تهدیدکننده و تأمین امنیت در منطقه حیاتی خلیج فارس ساماندهی نماید. موقعیت جغرافیایی منطقه تنگه هرمز و خلیج فارس و به‌کارگیری شیوه‌های ناهمگون در جنگ، در این حوزه سبب گردید تا آمریکا با افزایش حضور نیروی دریایی خود در منطقه، افزایش توان دفاعی کشورهای عربی، تلاش ناتو برای ورود به منطقه و گسترش همکاری نظامی و امنیتی در سطح خاورمیانه، به مقابله با جمهوری اسلامی ایران بپردازد.

با توجه به تداوم دشمنی آمریکا و غرب با ایران و رهنامه عملیاتی دریایپایه آمریکا در منطقه، اینکه تاکنون در راهبرد نیروهای دریایی ج.ا.ایران چه عواملی موجب بازدارندگی آمریکا در تعرض به منافع امنیتی ایران در خلیج فارس شده و آیا این عوامل همچنان پابرجاست و یا نیاز به بازنگری و تقویت دارد؟ در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

آمریکا به عنوان تهدید اول جمهوری اسلامی ایران با حضور پُر قدرت در منطقه خلیج فارس، استمرار این حضور در منطقه تا دهه‌های آتی و اقدام‌های این کشور برای انزوای سیاسی ایران، اجماع منطقه‌ای و بین‌المللی برای مقابله با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان، انجام رزمایش‌های مستمر و متناوب با کشورهای هم‌پیمان در منطقه، ایجاد سپر دفاع موشکی با همکاری و هزینه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و همچنین با فروش پُر حجم و متنوع سلاح و تجهیزات نظامی به کشورهای منطقه، در صدد اجرایی کردن راهبرد مورد نظر خود است که در مرحله اول، تحدید نفوذ منطقه‌ای ایران و در مراحل بعد، استحاله و براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

طرح جنگ احتمالی بین ج.ا.ایران و آمریکا با طرح جنگ عراق با نیروهای چندملیتی به رهبری آمریکا متفاوت خواهد بود. راهبرد پاسخگویی مؤثر در برابر راهبرد نظامی آمریکا در خلیج فارس بر پایه «درگیری نظامی، حضور پیش‌تاز و واکنش سریع با هدف بازدارندگی و در صورت شکست بازدارندگی استفاده از توانایی‌های موجود برای استفاده مؤثر از نیروی نظامی» گزینه مطلوب خواهد بود.

با توجه به دشمنی آمریکا و تلاش این کشور برای خنثی نمودن توانایی‌های ایران، بررسی عواملی که تاکنون موجب بازدارندگی آمریکا از انتخاب گزینه نظامی در

برخورد با ایران شده، از این نظر با اهمیت است که بتوان با تجربه گذشته و افزایش کمی و کیفی عوامل بازدارنده، همچنان از تهدید نظامی آمریکا مصون بماند.

۱-۳. نوع تحقیق

با توجه به لزوم پرداختن به اصول بنیادین عوامل بازدارنده آمریکا در تعرض به منافع ملی ج.ا.ایران در خلیج فارس، این تحقیق از نوع توسعه‌ای می‌باشد که نتایج حاصل از آن می‌تواند در عرصه طراحی و برنامه‌ریزی‌های راهبردی و کاربردی مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

۱-۴. پرسش تحقیق

در سه دهه گذشته چه عواملی موجب بازدارندگی آمریکا در تعرض به منافع امنیتی ج.ا.ایران در خلیج فارس شده است؟

۱-۵. روش تحقیق

۱-۵-۱. روش گردآوری اطلاعات

در این تحقیق که از نوع توصیفی - تحلیلی است، در بررسی کتابخانه‌ای از حقایق، آمارها، کتاب‌ها، اسناد موجود و پژوهش‌های انجام گرفته، بهره‌برداری شده و اطلاعات مستندی گردآوری گردید. یکی دیگر از روش‌های گردآوری اطلاعات از جامعه آماری، تهیه، توزیع و گردآوری پرسشنامه بر مبنای طیف لیکرت بود، که با توجه به موضوع پژوهش، و درک دیدگاه‌های تخصصی، سابقه تجربی و با شناخت دیدگاه‌های روانشناختی جامعه آماری، پرسش‌ها تهیه شد. روش گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه از این‌رو انتخاب گردید که امکان کمی کردن و صریح ساختن نتایج تحقیق را فراهم می‌کرد.

پرسشنامه تهیه شده از نوع بسته یا منظم است. پرسش‌ها و پاسخ‌های آن در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار گرفت تا افزون بر اینکه وقت کمتری از پاسخ‌دهندگان تضيع شود، امکان کمی نمودن جواب‌ها، ساده و آسان باشد.

تعداد ۱۰۰ پرسشنامه تکمیل شده گردآوری شد و مورد استفاده قرار گرفت. از مزایای عمده این روش، امکان تبدیل بسیاری از داده‌های کیفی به کمی و سپس تحلیل داده‌هاست.

۲-۵-۱. جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق، متشکل از فرماندهان، متخصصان، مدیران اجرایی استادان و کارشناسان، در مراکز علمی پژوهشی و در سطوح عالی و با تحصیلات عالی می‌باشند.

۳-۵-۱. جامعه نمونه

با نظر ۷ نفر خبره، حجم جامعه نمونه آماری ۱۰۰ نفر در نظر گرفته شد.

جدول شماره ۱. وضعیت افراد نمونه آماری از نظر تحصیلات

تحصیلات	دکتری	فوق لیسانس	لیسانس	فوق دیپلم	جمع
تعداد	۱۸	۳۰	۴۳	۹	۱۰۰

جدول شماره ۲. وضعیت افراد نمونه آماری از نظر سنوات خدمت

سنوات خدمتی	بالای ۲۵ سال	۲۰-۲۵ سال	زیر ۲۰ سال	جمع
تعداد	۶۳	۲۵	۱۲	۱۰۰

۶-۱. پیشینه تحقیق

در ادامه به پژوهش‌هایی اشاره می‌شود که تاکنون در این موضوع انجام شده است.

علی اکبر رستمی و سیفا... جلوداری در تحقیقی با عنوان «ماهیت جنگ‌های احتمالی آینده علیه ج.ا.ایران در خلیج فارس» به بررسی خصوصیات بارز جنگ‌های آینده از نظر مکانی، زمانی، ماهیتی و ویژگی‌های عمومی پرداخته و ملاحظه‌هایی همچون «گسترش میادین نبرد به لحاظ سطح، عمق و خط مقدم»، «پیچیدگی سیاست‌ها و راهبردهای دفاعی در خلیج فارس»، «عدم قطعیت زمان و موقعیت نبرد»، «دانش‌محور و فناوری‌محور بودن»، «ناهمگون بودن»، «ماهیت فوق‌العاده فرماندهی» و «منحصر به فرد بودن» را برای جنگ‌های آینده برشماری کرده‌اند (رستمی و جلوداری، بی‌تا). این پژوهش، جنگ احتمالی ج.ا.ایران و آمریکا در خلیج فارس را بررسی کرده و توانایی‌ها و ضعف‌های طرفین را برشماری و در پایان پیشنهادهایی در این مورد ارائه می‌نماید.

در تحقیق آقای حسین قربانی با نام «تدوین راهبردهای مقابله با حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس»، ضمن بررسی‌های محیطی به طور اجمال، راهبردهایی با ابعاد چهارگانه امنیت ملی پیشنهاد شده که البته فاقد نگاه تطبیقی به راهبردهای طرفین است (قربانی، ۱۳۸۵).

حسین علایی نیز در تحقیقی با عنوان «راهکارهای ارتقای امنیت خلیج فارس با اتکا به ظرفیت‌های محلی» به این نکته اشاره می‌کند که می‌توان با همکاری کشورهای منطقه، ایجاد توسعه داخلی، پرهیز از تنش و بدون بهره‌گیری از قدرت نظامی، امنیت منطقه خلیج فارس را که اهمیت زیادی برای ایران و سایر کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دارد، از طریق راه‌های زیر تأمین کرد:

(۱) دیپلماسی رفاقت با کشورهای همسایه در خلیج فارس،

(۲) جلوگیری از تشدید تخاصم آمریکا با ایران و تلاش برای توافق ضمنی بر سر

امنیت خلیج فارس،

(۳) بازدارندگی دفاعی از طریق نمایش قدرت،

(۴) مایوس‌سازی دشمن از طریق اتخاذ سیاست‌های هوشمندانه،

- (۵) پیوند زدن منافع کشورهای جهان با خلیج فارس،
- (۶) وابسته کردن هر چه بیشتر منافع کشورهای خلیج فارس به تنگه هرمز،
- (۷) آبادسازی جزایر ایرانی خلیج فارس،
- (۸) ظرفیت‌سازی در بنادر موجود در سواحل ج.ا.ایران (علایی، ۱۳۹۱).
- به نظر می‌رسد، راهکارهای مطرح شده چند مشکل اساسی دارند:
- (۱) در کوتاه‌مدت قابل دستیابی نیستند و در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت باید مد نظر قرار گیرند.
- (۲) به دلیل شیطنت‌های استعماری و عدم تمایل کشورهای همسایه در خلیج فارس به دلیل اختلاف‌ها، تعارض‌ها و منافع مغایر، هرچند این راهکارها در مقاطعی مورد استفاده قرار گرفتند، اما عملی نشدند.
- (۳) راهکارهای مطرح شده، هرچند منطقی هستند، اما روند کنونی با این راهکارها هماهنگ و موافق نیست.
- آقایان اصغر صالح و سیف‌ا... جلوداری در تحقیقی با نام «رهنامه مطلوب دفاع دریایی ج.ا.ایران در خلیج فارس»، رهنامه جنگ ناهمگون برای نیروی دریایی ج.ا.ایران را پیشنهاد کرده‌اند که با توجه به شرایط و ویژگی‌های خاص جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و نظامی ج.ا.ایران، می‌تواند پاسخگوی بازدارندگی و دفاع و تهاجم دریایی در برابر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای باشد. نویسندگان معتقدند ایران تا آنجا که ممکن است فشارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی را کاهش دهد و اعتبارهای لازم را برای سایر بخش‌ها فراهم نماید (صالح، جلوداری، بی‌تا).
- آنچه که در این پژوهش مورد توجه بوده، فقط رهنامه مناسب برای نیروی دریایی ج.ا.ایران است؛ به گونه‌ای که هم امکان مقابله با دشمن فراهم شود و هم اینکه به آسیب‌پذیری سایر ابعاد قدرت ملی توجه گردد که مورد سوءاستفاده دشمن قرار نگیرد.

در تحقیقی با عنوان «ویژگی نیروها در جنگ آینده» به قلم آقای نقی پوررضایی، به بررسی لزوم توانمندی نیروها در جنگ آینده توجه شده و با توجه به بررسی‌های محیطی، ژئوپلیتیکی و راهبردی، جنگ آینده را برای نیروی دریایی ج.ا.ایران، ناهمگون می‌داند و عناصر صحنه نبرد مسلط را توانمندی‌ها و قابلیت‌هایی همچون «شناخت دشمن (تفکر، اندیشه، رهنامه، راهبرد، راهکنش، توانایی)»، «تقویت ایمان و بصیرت دینی و سیاسی» و «ارتقای معنویت در بین آحاد پاسداران و نیروهای مسلح و...» می‌داند (پوررضایی، ۱۳۹۰).

آنچه که مسلم است نیروی انسانی در هر جنگی، مؤثرترین نقش را در پیشبرد هدف‌ها و اجرای عملیات نظامی دارد و توجه به آن می‌تواند بسیار گره‌گشا باشد؛ به‌ویژه در جنگی نابرابر و نامتوازن، نیروی انسانی از ارکان اصلی نبرد خواهد بود، اما آنچه مورد نظر موضوع مورد تحقیق است، بررسی همه‌عواملی است که می‌توانند موجب بازدارندگی دشمن ناهمراز از انتخاب نظامی در برخورد با جمهوری اسلامی ایران شوند.

۲. مبانی نظری و ادبیات تحقیق

۲-۱. ژئوپلیتیک خلیج فارس و اهمیت آن

خلیج فارس به لحاظ موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی از حساس‌ترین و با اهمیت‌ترین مناطق جهان است. این اهمیت تا حد زیادی به منابع انرژی و رقابت‌ها در این منطقه دارد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان میان سلطه آمریکا پس از جنگ جهانی دوم و منافع این کشور در خلیج فارس ارتباط مستقیمی برقرار کرد. آمریکا در خلیج فارس چند نوع منافع دارد که گاه این منافع با یکدیگر همپوشانی دارند. منافع ثابت این کشور در خلیج فارس، تأمین نفت اقتصاد دنیای صنعتی است. حفظ امنیت رژیم صهیونیستی، جلوگیری از ظهور قدرتی منطقه‌ای و حفظ ساختار محافظه‌کار کشورهای حاشیه

خلیج فارس از مواردی است که به طور مستقیم و غیرمستقیم به منافع جهانی و منطقه‌ای آمریکا مربوط می‌شود.

خلیج فارس به لحاظ وضع طبیعی و موقعیت جغرافیایی محور ارتباط بین اروپا، آفریقا، آسیای جنوبی و جنوب شرقی است و از نظر راهبردی، در منطقه خاورمیانه، به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مرکز ارتباطی بین سه قاره، قرار دارد. از سوی دیگر، به دلیل وجود تنگه هرمز که یکی از راهبردی‌ترین تنگه‌های جهانی است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (زارعی، ۱۳۷۸/۶/۱۴: ۱). مرز دریایی ج.ا.ایران در خلیج فارس حدود ۱۲۹۰ کیلومتر است.

منطقه خلیج فارس از چند بُعد دارای اهمیت منطقه‌ای و به خصوص جهانی است. یکی از این ابعاد مربوط به منابع نفت و گاز است. در گزارش اوپک در سال ۲۰۱۳، رتبه ۱۰ کشور برتر دارای ذخایر نفتی در جهان اعلام شد. ونزوئلا با ۲۹۷ میلیارد و ۷۳۵ میلیون بشکه ذخایر نفتی اثبات شده، رتبه نخست، عربستان با ۲۶۵/۸۵، ج.ا.ایران با ۱۵۷/۳، عراق با ۱۴۰/۳، کویت با ۱۰۱/۵، امارات با ۹۷/۸، روسیه با ۷۷/۴۰۳، لیبی با ۴۸/۴۷۲، نیجریه با ۳۷/۱۳۹ و قطر با ۲۵/۲۴۴ میلیارد بشکه در رتبه‌های دوم تا دهم این آمار قرار گرفته‌اند. اوپک ذخایر نفتی اثبات شده آمریکا در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ را بدون تغییر ۲۳ میلیارد و ۲۶۷ میلیون بشکه برآورد کرده است (www.bp.com/statisticalreview). اهمیت راهبردی خلیج فارس، بدون بررسی مسائل تنگه هرمز کامل نخواهد بود؛ زیرا این تنگه، به عنوان ورودی خلیج فارس، تأثیر ویژه‌ای بر حوادث منطقه دارد. این تنگه، با طول حدود ۱۵۸ کیلومتر و عرض حداقل ۵۶ و حداکثر ۱۸۰ کیلومتر و عمق ۱۱۵ متر، یکی از راهبردی‌ترین گذرگاه‌های جهان به شمار می‌آید که خلیج فارس را از راه دریای عمان به اقیانوس هند و خطوط کشتیرانی بین‌المللی دریای آزاد پیوند می‌دهد. این آبراه به علت موقعیت خاص راهبردی، شاه‌رگ حیات اقتصادی جهان به حساب می‌آید (رفیعی، ۱۳۸۱/۹/۲۰: ۱) و به عنوان راه ورودی و خروجی

خلیج فارس، از موقعیت ژئواستراتژیکی برخوردار است. روزانه حدود ۴۰٪ نفت مصرفی جهان از این تنگه عبور می‌کند. این آبراه، نقش بسیار حساس و بی‌چون و چرایی در توازن اقتصادی، مالی و تجاری همه کشورهای صنعتی و کشورهای ساحلی منطقه ایفا می‌کند و هر رخدادی که سلامت و امنیت دریانوردی را در این ناحیه تهدید نماید، به همان نسبت منافع این کشورها را در معرض خطر قرار خواهد داد (دولتیار، ۱۳۷۲: ۱۰۰). همچنین تنگه هرمز، راه ارتباطی ساحلی خلیج فارس به اقیانوس هند بوده و بنابراین، همواره به صورت منطقه‌ای عملیاتی در راهبردهای نظامی مورد توجه بوده است.

یکی از ویژگی‌های اصلی نظام جدید جهانی، اهمیت یافتن اقتصاد در عرصه جهانی است، از این رو مناطقی که از نظر ژئواکونومیک موقعیت بهتری دارند، دارای اهمیت بیشتری هستند. از این لحاظ به نظر می‌رسد هر کشوری که بر خلیج فارس تسلط داشته باشد، بر جهان مسلط خواهد بود. این منطقه دارای ۶۵٪ ذخایر نفتی و ۷/۳۰ تریلیون متر مکعب گاز جهان است و حدود دوسوم نفت مورد نیاز غرب و چهارپنجم نفت مورد نیاز ژاپن را تأمین می‌کند (<http://persiangulfstudies.com>). پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ میزان وابستگی کشورهای جهان و به‌خصوص آمریکا و اتحادیه اروپا به ذخایر نفت و گاز منطقه با کاهش نفت و گاز سایر حوزه‌ها، بسیار افزایش خواهد یافت؛ به‌گونه‌ای که این وابستگی برای اتحادیه اروپا در سال ۲۰۳۰ در حوزه نفت به ۷۵٪ و در حوزه گاز به ۶۶٪ خواهد رسید، همچنین پیش‌بینی می‌گردد تا سال یادشده، ذخایر نفتی منطقه خلیج فارس ۹۵٪ ذخایر موجود جهان را تشکیل خواهد داد (واعظی، ۱۳۸۹: ۱۲۵). منطقه خلیج فارس افزون بر دارا بودن منابع عظیم نفت و گاز که ویژگی برجسته این منطقه به شمار می‌آید از نظر موقعیت جغرافیایی و همچنین نظام‌های سیاسی محصورکننده آن، دارای اهمیت منطقه‌ای و جهانی است (فاست، ۱۳۸۹: ۲۰۱). منطقه خلیج فارس به دلیل اهمیت‌هایی که دارد، جزو اولویت‌های سیاست خارجی آمریکاست. با حضور قدرتمند جمهوری اسلامی ایران در این منطقه،

آمریکا افزون بر تلاش برای نقش‌آفرینی مؤثرتر در مسائل انرژی و واپایش یکی از شاهراه‌های ارتباطی جهان، تلاش بی‌وقفه‌ای را جهت اثبات سلطه خود انجام داده است، بنابراین منطقه خلیج فارس هم از این نظر که ماده اولیه صنایع سنگین آمریکا را تأمین می‌کند و هم از این بابت که مهم‌ترین دشمن ظاهری آمریکا را در خود جای داده است، دارای اهمیت دو چندانی در سیاست خارجی این کشور می‌باشد (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۲۷).

ج.ا.ایران به عنوان کشوری که سراسر سواحل شمالی این منطقه به همراه جزایر راهبردی و تنگه حیاتی هرمز یا به عبارتی مجرای ورود به منطقه یادشده را در اختیار داشته و همچنین با دارا بودن جمعیت قابل توجه و قدرت نظامی برتر و سرزمینی پهناور نسبت به سایر کشورهای منطقه، افزون بر جایگاه مهم و تعیین‌کننده‌اش در منطقه، همواره به واسطه نوع تعاملاتش با قدرت‌های بزرگ، بر امنیت منطقه و بر کم و کیف تعامل‌های کشورهای منطقه با هم و با قدرت‌های بزرگ تأثیرگذار بوده است. همچنین تأکید بر این نکته نیز لازم است که منطقه خلیج فارس با وجود واقع شدن در منطقه بزرگ خاورمیانه، دارای الگوی امنیتی خاص و متفاوتی از منطقه خاورمیانه می‌باشد (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۱۶-۱۱۵). آمریکا به علت محدودیت‌ها و هزینه بسیار زیاد رویارویی مستقیم با ایران از زمینه‌ها و وضعیت حاکم در منطقه خلیج فارس استفاده کرده و ظرفیت کشورهای عربی منطقه را برای تضعیف و مقابله با ایران به‌کارگیری نموده است. در شرایط کنونی ایران ناگزیر از توجه به منطقه خلیج فارس است؛ چرا که ملموس‌ترین و نزدیک‌ترین برنامه‌ها علیه ج.ا.ایران در این منطقه اجرا می‌شود (خانی، ۱۳۸۳: ۲۱۳-۲۱۲).

خلیج فارس در عرصه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی اهمیت زیادی برای ج.ا.ایران دارد و تصمیم‌های راهبردی سیاست خارجی ج.ا.ایران همواره با در نظر گرفتن اهمیت این منطقه اتخاذ می‌گردد. این منطقه به دلایل زیر برای ایران مهم است:

(۱) صدور تمام نفت ایران از خلیج فارس و تنگه هرمز (به‌منزله شاه‌رگ حیاتی کشور)،

- (۲) انجام حدود ۸۰ درصد از تجارت ج.ا.ایران از این منطقه،
- (۳) سرمایه‌گذاری‌های دو سه دهه اخیر ایران در بنادر و جزایر خلیج فارس،
- (۴) وجود ذخایر عمده نفتی ج.ا.ایران در خوزستان،
- (۵) وجود کارخانجات و صنایع بزرگ ایران از جمله صنایع فولاد، کشتی‌سازی، پالایشگاه‌ها، مجتمع عسلویه و نیروگاه هسته‌ای ایران در سواحل خلیج فارس (خوش‌آیند، ۱۳۹۱/۲/۱۰).

۲-۲. جنگ ناهمگون

در جنگ ناهمگون، عدم توازن در توان طرفین وجود دارد و ابزارهای آنها به لحاظ کمی و کیفی همگون نیست، پس در مواجهه مستقیم، طرف ضعیف‌تر به احتمال زیاد با ناکامی مواجه می‌شود که در چنین شرایطی، باید با استفاده از تجربیات گذشته و اتخاذ رهنامه و راهکنش‌های غیرمتعارف و غیرقابل پیش‌بینی برای دشمن، با استفاده از مزیت‌های خاص خود به نقاط ضعف دشمن ضربات اساسی وارد کند (عسگری- ترابی، ۱۳۹۲: ۱۴۷).

۲-۲-۱. ویژگی‌های جنگ ناهمگون

برای جنگ ناهمگون مانند هر درگیری دیگر، مشخصه‌ها و ویژگی‌هایی وجود دارد که می‌تواند به عنوان وجه افتراق و تفاوت در کاربرد و به کارگیری شیوه‌های مختلف آنان در نظر گرفته شود. این ویژگی‌ها در پی هدف‌هایی شکل می‌گیرند که از نتایج جنگ ناهمگون متصور است و اساس آن نیز بر هم زدن موازنه عدم همگونی بین دو نیروی متخاصم ناهمگون در راستای بهره‌برداری راهبردی از قابلیت‌های راهکنشی می‌باشد؛ به عبارتی ممکن است این رویکردها راهکنشی باشند، ولی باید تأثیر روانی آن را در سطح راهبردی جست‌وجو کرد. تمرکز مداوم بر تأثیر راهبردی، ویژگی اصلی و متمایز جنگ ناهمگون است و این شیوه‌ها می‌تواند در رویکردهای جنگ‌های ناهمگون

مبنی بر ابتکار عمل، اقدام‌های غیرمنتظره، تأثیر راهبردی، فریب و غافلگیری در حوزه فیزیکی و روانی جنگ و هدف قرار دادن اراده دشمن باشد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱-۲-۱-۲. عدم توازن در فناوری، تجهیزات و منابع موجود کشورها سبب گرایش قدرت‌های ضعیف‌تر به جنگ ناهمگون در مقابله با قدرت‌های برتر برای حفظ بقای خود می‌گردد.

۲-۲-۱-۲. جنگ ناهمگون در تعریف، جنگی است که در آن طرفین درگیر از لحاظ دسترسی به امکانات رزمی با هم تناسب نداشته و یکسان نمی‌باشند، پس احتمال کاربرد یک‌طرفه نیروی نظامی از سوی قدرت برتر علیه دیگری وجود دارد.

۲-۲-۱-۳. از مشخصه‌های جنگ ناهمگون، تضاد منافع، هدف قرار دادن اراده دشمن، دستیابی به تأثیر راهبردی در همه سطوح، تکرارناپذیری، کوتاه‌مدت بودن، غافلگیرانه بودن، غیرقابل پیش‌بینی بودن، صحنه نبرد مشخص نداشتن، امکان اجرا در همه وقت، همه جا و توسط همه کس و همه چیز، نامشخصی و نامعینی جنگجویان، نداشتن ابزار و فناوری مشخص، دارا بودن فضای تحرک زیاد، دارا بودن واحدهای اجرایی کوچک و ضربه زدن دقیق عملیاتی است.

۲-۲-۱-۴. گستره احتمالی جنگ ناهمگون می‌تواند به صورت عملیات چریکی، اطلاعاتی یا رایانه‌ای باشد.

۲-۲-۱-۵. رویکردهای جنگ ناهمگون شامل هدف قرار دادن اراده دشمن، دستیابی به تأثیر راهبردی در همه سطوح و به‌کارگیری تسلیحات غیرمتعارف (هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی) می‌باشد (مکنزی، ۱۳۸۲: ۱۴-۵).

۲-۲-۲. ویژگی‌های تهدید ناهمگون از نگاه آمریکایی‌ها

در ادبیات امروزی آمریکایی، تهدیدهای ناهمگون به تهدیدهایی گفته می‌شود که فرهنگ سیاسی، راهبردی و نظامی این کشور، آنها را غیرمعمول و خارق‌العاده تلقی می‌کند و دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد:

۲-۲-۲-۱. تهدیدهای ناهمگون از دید آمریکا غیرعادی و فوق‌العاده جلوه می‌کنند.

۲-۲-۲-۲. تهدیدهای ناهمگون، بی‌قاعده و نامنظم هستند.

۲-۲-۲-۳. تهدیدهای ناهمگون با مجموعه توان نظامی و طرح‌های آمریکا منطبق و سازگار نیست.

۲-۲-۲-۴. تهدیدهای ناهمگون به‌طور عمده بر ضد آماج نظامی و شاید بیشتر بر ضد آماج غیرنظامی متمرکز می‌شود.

۲-۲-۲-۵. تهدیدهای ناهمگون نه تنها علیه توانمندی اصلی آمریکا متمرکز است، بلکه به‌منظور واپایش، ایجاد توازن و خثی کردن توان و قدرت آمریکا در زمینه‌های دیگر به‌کار گرفته می‌شوند.

۲-۲-۲-۶. واکنش مناسب در برابر تهدیدهای ناهمگون دشوار است. ماهیت تهدیدهای ناهمگون باعث می‌شود که طرف مورد تهدید با معضل واکنش روبه‌رو شود.

۲-۲-۲-۷. تهدیدهای ناهمگون، ناشناخته و نامعلوم هستند (بی‌نام، ۱۳۸۸: ۲۰).

۲-۲-۳. نقاط قوت و ضعف جنگ ناهمگون

۲-۲-۳-۱. نقاط قوت جنگ ناهمگون

«واکنش سریع‌تر در برابر حمله‌های دشمن»، «نیازمندی کمتر به عوامل پشتیبانی»، «ردپای عملیاتی کمتر» و «داشتن خسارت و تلفات کمتر در صورت فاش شدن عملیات» از نقاط قوت جنگ ناهمگون است.

۲-۲-۳-۲. نقاط ضعف جنگ ناهمگون

مهم‌ترین نقاط ضعف جنگ ناهمگون را می‌توان در موارد زیر دانست: «منطقه عملیاتی این جنگ، محدود است»، «به‌کارگیری نیروی رزمنده در آن، محدود است»، «ضعف مقاومت در برابر حمله‌های سنگین وجود دارد» و «خطرپذیری جانی زیادی برای نیروهای اجرایی در پی دارد» (<http://poostwer.blogfa.com/post>).

۲-۲-۴. عناصر اساسی در محیط جنگ ناهمگون

در جنگ همگون، طرف قوی‌تر متکی بر ابزار می‌جنگد و فناوری فوق‌العاده پیشرفته نظامی است که برتری او را در عرصه نظامی ممکن می‌سازد، اما در جنگ ناهمگون، قدرت خلاقانه، روحیه و تفکر انسان است که محور همه تصمیم‌گیری‌ها بوده و نقش‌آفرین همه صحنه‌هاست (صفوی، ۱۳۸۷: ۵۹). عناصر اساسی در محیط جنگ ناهمگون متعدّدند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به «اتکای به مردم»، «حفظ توان»، «هم‌عرصه‌گی»، «تمرکز علیه موضع ویژه»، «فرسایشی کردن جنگ»، «عدم قطعیت»، «بهره‌گیری از جغرافیا»، «جنگ اطلاعاتی»، «فریب و غافلگیری» و «عملیات روانی» اشاره کرد.

۲-۳. بازدارندگی^۱

بازدارندگی به معنی منع کردن و توقیف کردن است؛ به عبارتی پیشگیری از انجام عملی به سبب ترس، وحشت، تهدید و ترور (عسگرخانی، ۱۳۷۷: ۲۰). بازدارندگی یک اثر روانی بر دشمن دارد و او را از اندیشه حمله یا شروع به جنگ باز می‌دارد. این نوع تهدید باید پیامی صریح داشته باشد و آن پیام باید تهدید به رنج و آسیب را انتقال دهد.

بازدارندگی، تحت تأثیر قرارداد رفتار انسانی به واسطه تهدید اوست. بازدارندگی مستلزم تهدید به استفاده از زور برای جلوگیری از استفاده نیروی قهریه، توسط طرف مقابل است. در بازدارندگی، عمل متقابل یا تلافی جویانه نقش اساسی دارد. بازدارندگی بین دو دولت عبارت است از قدرت تهدید از ناحیه کشوری علیه کشور دیگر به منظور پیشگیری از آغاز جنگ، به گونه‌ای که در فقدان این قبیل تهدیدها، کشور مزبور بتواند به جنگ مبادرت ورزد (عسگرخانی، ۱۳۷۷: ۲۰).

۱-۳-۲. بازدارندگی متعارف و غیرمتعارف

اگر بازدارندگی از طریق سلاح‌های سنتی و غیرهسته‌ای انجام گیرد، آن را بازدارندگی متعارف گویند؛ به عبارتی تهدید به رنج از طریق سلاح‌های متعارف صورت می‌گیرد و برعکس اگر تهدید به رنج از طریق سلاح‌های هسته‌ای انجام گیرد، آن را بازدارندگی هسته‌ای گویند. از آنجا که درد و رنج سلاح‌های هسته‌ای شدیدتر از سلاح‌های متعارف است، پس تهدید به آسیب‌رسانی از طریق سلاح هسته‌ای آثار بازدارندگی بیشتری خواهد داشت (Snyder, 1961: 3-15).

۲-۳-۲. بازدارندگی روانی

بازدارندگی تنها در چارچوب قدرت سخت‌افزاری معنایی نمی‌شود؛ به بیان روشن‌تر، جنبه‌های روانی بازدارندگی نیز بسیار حائز اهمیت هستند. بازدارندگی مبتنی بر تبادل نظر صریح است؛ به گونه‌ای که برخوردی رخ ندهد (عسگری-ترابی، ۱۳۹۲: ۴۱). بازدارندگی به معنی به‌کارگیری تهدیدهای نظامی برای ترغیب رقیب به خویشستنداری و ترک هدف‌های بلندپروازانه نظامی است، پس نظریه بازدارندگی در صدد است با افزایش هزینه، بر محاسبه‌های راهبردی رقیب تأثیر گذارد (سیف‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۷۷). هنری کسینجر^۱، وزیر خارجه سابق آمریکا می‌گوید: هرچند بازدارندگی، سیاست مسلط نظامی

است، اما بیش از هر چیز وابسته به معیارهای روانی است. در این سیاست تلاش می‌شود تا تصویر خطرهای تحمل‌ناپذیر، طرف مقابل را از ارتکاب به عمل بازدارد. پیروزی این سیاست بستگی به آگاهی کامل از محاسبه‌های طرف مخالف نسبت به حيله‌ای دارد که جدی گرفته شود (مشیرزاده، ۱۳۸۰: ۵۱).

۲-۳-۳. بازدارندگی ناهمگون

از جمله مفاهیم راهبردی، بازدارندگی ناهمگون است که به معنی جلوگیری از بروز اقدام‌های تهدیدآمیز از راه تهدید کردن و نمایش قدرت می‌باشد، بنابراین شاید بتوان ادعا کرد که بازدارندگی، یک راهبرد برای حفظ وضع موجود است. ویژگی اصلی بازدارندگی آن است که ایجاد آن، هزینه‌هایی بسیار کمتر از دفاع دربردارد. همچنین بازدارندگی یک راهبرد پیشگیرانه تلقی می‌شود که تحقق آن، یکی از دغدغه‌های اصلی بیشتر دولت‌هاست، البته باید یادآور شد که بازدارندگی یک راه‌حل نهایی نیست، بلکه با آن می‌توان برای یافتن راه‌حل‌های دائمی، زمان به دست آورد (عسگری- ترابی، ۱۳۹۲: ۳۶). لیدل هارت^۱، راهبرد پرداز انگلیسی می‌گوید: خردمندانه‌ترین راهبرد، راهبردی است که از نقاط قوت دشمن بپرهیزد و به نقاط ضعف او حمله برد (<http://poostwer.blogfa.com/post>).

۲-۳-۴. راهبرد بازدارندگی

راهبرد بازدارندگی، عبارت است از کوشش برای بازداشتن دشمن از هر اقدامی که به احتمال فراوان، درصدد انجام آن بوده است، از طریق القای این باور که عدم انجام آن به نفع اوست (سنجایی، ۱۳۷۵: ۴۶). در واقع راهبرد بازدارندگی، بهره‌برداری از توانایی‌های بالقوه و بالفعل با هزینه‌های کمتر برای جلوگیری از ضربه به منافع ملی و حیاتی است.

۴-۲. رزمایش نیروی دریایی آمریکا برای بررسی چگونگی مقابله با نیروهای

دریایی ج.ا.ایران در خلیج فارس

در رزمایش ۲۵۰ میلیون دلاری ارتش آمریکا با عنوان «چالش هزاره» که در سال ۲۰۰۲ برگزار شد، نیروی دریایی این کشور به رویارویی با گروهی متشکل از قایق‌های تهاجمی و موشک‌انداز (راهکنش مورد استفاده ج.ا.ایران) پرداختند که در جریان این رزمایش ناموفق و پیش از لغو آن، نیروی دریایی آمریکا ۱۶ کشتی شامل یک ناو هواپیمابر و تعدادی رزم‌ناو خود را از دست داد. ساینس مانیتور^۱ با اشاره به طرح ساخت ناوهای LCS که قادر به مقابله با چنین راهکنش‌هایی باشند، می‌نویسد: تنها دو نمونه از این ناوها ساخته شد و طرح به‌دلیل تأخیرهای زیاد و هزینه‌های گزاف، زمین‌گیر گردید (بی‌نام، ۱۳۸۶/۹/۲۲: ۱).

۳. تجزیه و تحلیل

خلیج فارس به لحاظ موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی از حساس‌ترین و با اهمیت‌ترین مناطق جهان است. وجود پایگاه‌های متعدد نظامی اعم از دریایی، هوایی و زمینی در منطقه خلیج فارس که اغلب متعلق به کشورهای آمریکا و انگلستان هستند و همچنین حضور ناوهای جنگی کشورهای غربی به‌خصوص آمریکا در آب‌های خلیج فارس، اهمیت نظامی و راهبردی خلیج فارس را نمایان می‌سازد. جنگ نفتکش‌ها که در جریان جنگ ایران و عراق رخ داد، یکی از عوامل حضور نظامی کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا در خلیج فارس شد. اهمیت نظامی - راهبردی خلیج فارس به‌طور ویژه در جریان جنگ ایران و عراق، جنگ خلیج فارس و جنگ عراق آشکار شد. این اهمیت تا حد زیادی ریشه در موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی منطقه و رقابت ابرقدرت‌ها دارد. آمریکا در خلیج فارس منافع متعددی دارد که گاه این

منافع با یکدیگر همپوشانی دارند، این کشور برای حفظ منافع ثابت خود در خلیج فارس که شامل «تأمین نفت دنیای صنعتی»، «حفظ امنیت رژیم صهیونیستی و جلوگیری از ظهور قدرت منطقه‌ای مخالف این کشور»، «حفظ ساختار محافظه‌کار کشورهای حاشیه خلیج فارس» و «مقابله با انقلاب اسلامی ایران» می‌باشد، ناچار به حضور مستقیم نظامی در منطقه شده است.

واقعیت‌هایی که به خلق پرشکوه‌ترین انقلاب مردمی در تاریخ بشر به رهبری امام خمینی (ره) انجامید، همگی پنجره‌های گریز از وضعیتی بودند که قرار بود ایران آن را بر عهده داشته باشد. ج.ا.ایران یک موقعیت مرکزی نسبت به کشورهای مجاور خود دارد؛ در واقع ایران می‌تواند به‌عنوان کشوری با ظرفیت ژئوپلیتیکی بالا در تمام حوزه‌های ژئوپلیتیکی اطراف خودش حضور داشته باشد و در پیدایش شکل‌های منطقه‌ای و فعال شدن حوزه‌های ژئوپلیتیکی و کارکردهای آن، نقش مؤثری داشته باشد و فرایند سیاسی این حوزه‌ها را شکل دهد. از این‌رو آمریکا با توجه به این تحلیل جغرافیایی - تاریخی و آرزوی رهبری نظام نوین جهانی، برای تثبیت موقعیت منطقه‌ای و حفظ منافع حیاتی خود نمی‌تواند ایران را در برنامه‌ریزی‌هایش نادیده بگیرد.

سند راهبردی منتشره در ۲۰۱۲ به «سیاست آمریکا در رابطه با امنیت خلیج فارس و همکاری‌های مقتضی با شورای همکاری خلیج فارس برای بازداشتن ایران از توسعه ظرفیت ساخت سلاح هسته‌ای و مقابله با سیاست‌های به اصطلاح بی‌ثبات‌کننده‌اش» تأکید دارد که این نکته موجب تغییرهایی در رهنامه‌های عملیاتی و مشترک آمریکا در منطقه خلیج فارس و ظهور همکاری‌های نظامی - امنیتی و برگزاری رزمایش‌های جدید با کشورهای منطقه شده است. دستیابی ایران به سلاح‌هایی که توان اعزام نیرو و قدرت رزمایش نیروی دریایی و هوایی آمریکا را به مناطق مورد نظر به چالش کشیده، از نگرانی‌هایی است که در این سند به آن اشاره مستقیم شده و عنوان گردیده است که ارتش آمریکا آماده می‌شود تا هرگونه تلاش ایران برای ایجاد مانع در اعزام نیرو و

حضور نیروهای آمریکا (در مناطق دارای منافع حیاتی) را خشتی نماید، از این رو بر قابلیت زیردریایی‌ها، ساخت بمب‌افکن‌های جدید رادارگریز و بهبود دفاع موشکی با تأکید بر همکاری‌های منطقه‌ای ضد موشکی و استمرار تلاش در جهت تقویت توان فضایی تأکید دارد (DoD, Jan 2012: 12).

بیشتر کشورهای عربی منطقه خلیج فارس به دلیل تولید بالای نفت، اهمیت ویژه‌ای برای آمریکا دارند. جنگ خلیج فارس و شرایط پس از آن، فرصت بسیار مناسبی را برای توسعه روابط سیاسی، اقتصادی، تجاری، صنعتی و مهم‌تر از همه، نظامی آمریکا با کشورهای عرب خلیج فارس فراهم کرد. موافقتنامه‌های زیادی در همکاری‌های دفاعی دوجانبه بین آمریکا و کشورهای عرب به امضا رسید. این کشور توانست بسیاری از نیروهای خود را در منطقه مستقر و پایگاه‌های نظامی بسیاری در کشورهای عربی ایجاد کند. حضور نظامی آمریکا پس از بحران خلیج فارس با استقبال کشورهای عربی همراه شد. این کشورها نه تنها چالشی برای نیروهای آمریکایی محسوب نمی‌شوند، بلکه تسهیلات لازم را برای استقرار و تحرک واحدهای نظامی آمریکایی مستقر در منطقه فراهم می‌آورند، اما تداوم حضور بلندمدت آمریکا در خلیج فارس و افزایش سلطه این کشور به تدریج وابستگی کشورهای عربی از لحاظ تسلیحاتی، اقتصادی، نظامی، سیاسی به آمریکا و همچنین کاهش مشروعیت و مقبولیت ملی رژیم‌های عربی را به دنبال داشته است. نشانه‌های یادشده را می‌توان در مؤلفه‌هایی از جمله احداث پایگاه‌های نظامی، انعقاد قراردادهای امنیتی، حضور نیروهای نظامی در کشورهای عربی منطقه و شکاف روزافزون مردم این کشور را با رژیم‌های حاکم بر خود مشاهده کرد.

آمریکایی‌ها همیشه برای ایجاد چشم‌انداز جهانی و اجماع راهبردی، رقبای خود را خطرناک‌تر از آنچه که هستند معرفی می‌کنند. براساس این منطق است که رئیس جمهور سابق آمریکا (جورج بوش) اعلام می‌کند: «هرکس با ما نیست، علیه ماست». آمریکایی‌ها به دلیل فقدان رقیب سنتی که عامل اجماع راهبردی بود، ایران را عامل

نامنی منطقه معرفی می‌کنند تا بتوانند همان چشم‌انداز جهانی و اجماع راهبردی را به وجود آورند.

ناوهای آمریکایی در مقطع جنگ نفتکش‌ها در برابر قایق‌های تندرو به شدت آسیب‌پذیر شدند، این ناوها زیر شعاع ۱۰ کیلومتر، ضعف شناسایی و مقابله دارند، از سوی دیگر، تجهیزاتی که ندسا در اختیار دارد در شعاع منطقه کور ناوها بهترین توان هجوم را دارند و چون کوچکند، رادارها نمی‌توانند آنها را ردیابی و شناسایی کنند؛ به ویژه در شب، ناوها توانایی دفاعی خوبی نداشته و به شدت آسیب‌پذیرند. آمریکایی‌ها در زمان جنگ نفتکش‌ها روی عرشه ناوهایشان سنگر چیده بودند؛ به عبارتی ناوها با آن همه تجهیزاتی که داشتند برای مقابله با قایق‌های تندرو، مجبور به استفاده از سنگر و تیربار شده بودند. به تازگی آمریکایی‌ها تجهیزات جدیدی روی ناوهایشان مستقر نموده‌اند، همچنین قایق‌هایی طراحی کرده‌اند به شکل و شمایل قایق‌های ج.ا.ایران، البته کمی بزرگ‌تر و مجهزتر، به همین دلیل در جنگ رو در رو اگر ایران ۵۰ فروند قایق به سمت آنها بفرستد احتمال دارد آنها ۲۰-۳۰ فروند از آنها را مورد اصابت قرار دهند، ولی کافی است که یکی از قایق‌ها به ناو آنها برخورد کند؛ چون ناوهای آنها مملو از موشک، سوخت و... می‌باشد، پس به شدت آسیب‌پذیر است. تحلیلگران نظامی آمریکایی می‌گویند که ادغام توانایی موشکی کوتاه‌برد با دقت زیاد ایران با راهکنش‌های «هجوم پرتعداد» از جمله استفاده از شناورهای مسلح به سلاح‌های سنگین، می‌تواند توانایی‌های جدیدترین کشتی‌های جنگی آمریکا را هم تحت فشار قرار دهد (بی‌نام، ۱۳۹۱/۵/۷).

ج.ا.ایران با بهره‌گیری از موشک‌های پیچیده ضدکشتی و توسعه ناوگان شناورهای تندرو و زیردریایی‌های خود، به سرعت در حال افزایش توانایی‌هایش در خلیج فارس است که در صورت وقوع رویارویی، باعث تخریب سریع یا نابودی کشتی‌های آمریکایی شود. مقام‌های دریایی آمریکا معتقدند پیشرفت‌های ایران باعث شده که در بین آنها موجی از نگرانی درباره ساعت‌های اولیه جنگ در خلیج فارس به وجود بیاید.

دستیابی ایران به فناوری پهپادهای پیشرفته آمریکایی و تولید انواع پهپادهای پیشرفته با قابلیت‌های متنوع و همچنین راهبرد جنگ ناهمگون نیروهای دریایی ایران بر پایه قایق‌های تندرو، سبب تغییر بسیاری در محاسبه‌های اطلاعاتی و جنگی آمریکا شده است.

آمریکایی‌ها درحالی که در ظاهر همواره تلاش کرده‌اند که پیشرفت‌های نظامی ج.ا.ایران را منکر شوند، اما برای مقابله با راهبرد جنگ ناهمگون نیروهای دریایی ج.ا.ایران، در حال تغییر برخی راهبردهای نظامی خود در حوزه دریایی می‌باشند؛ به گونه‌ای که به تازگی نیروی دریایی آمریکا یک ناو رزمی را به سلاح لیزری با قابلیت اختلال در دستگاه‌های الکترونیکی و ردگیری، تجهیز نموده و به خلیج فارس اعزام کرده است. این سلاح پیشرفته با اشعه لیزری خود، قادر است که دستگاه‌های شناسایی و ردگیری کشتی جنگی و هواپیماهای اکتشافی را مختل نماید.

در مورد علل گسترش سپر دفاع موشکی آمریکا در منطقه، نظرات متفاوتی وجود دارد. استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا از این جهت حائز اهمیت است که این طرح در کشورهای همسایه و محیط امنیتی ج.ا.ایران اجرایی شده و آثار و تبعات زیادی بر امنیت ملی ج.ا.ایران دارد. ایجاد سپر دفاع موشکی قدرتمند در کشورهای رقیب، افزون بر اینکه به ظاهر موجب می‌شود این کشورها در برابر حمله‌هایی تقویت گردند، که بعدها می‌تواند علیه آنها انجام شود، اما در واقع برای این کشورها این فرصت را فراهم می‌کند که بتوانند پس از اطمینان از وضعیت دفاعی خود در مواردی هم حالت آفندی به خود گیرند.

در زمان جنگ عراق با ایران وقتی که آمریکایی‌ها به خلیج فارس آمدند، ج.ا.ایران در نیروی دریایی خود، ظرفیت ناهمگون را شکل داد، آمریکایی‌ها از ناو استفاده می‌کردند و نیروهای دریایی کشورمان از قایق‌های تندرو، آنها با ناوهایشان نمی‌توانستند قایق‌های تندرو ایران را هدف قرار دهند، بنابراین کارآیی آنها کاهش پیدا می‌کرد، بدیهی است که

ظرفیت ناهمگون متناسب با گذشت زمان باید مورد بازنگری قرار گیرد؛ زیرا دشمن هم متناسب با آسیب‌پذیری‌هایی که برایش ایجاد شده، در فنون، راهکنش‌ها و راهبردهای خود تغییرهایی ایجاد می‌کند، بنابراین طبیعی است که نیروهای دریایی ج.ا.ایران هم تغییرهایی را مد نظر قرار دهد تا راهبرد بازدارندگی خود را حفظ و ارتقا بخشد.

عبور حدود یک‌سوم نفتکش‌ها از تنگه هرمز و تأثیر بالای این موضوع بر اقتصاد جهانی که لازمه آن امنیت منطقه و تنگه هرمز است، موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی منحصر به فرد ایران در منطقه و به‌ویژه خلیج فارس که از نظر نظامی برتری‌های منحصر به فردی به ایران برای ایجاد امنیت در این منطقه و دفاع از خود ایجاد کرده است، توانایی و قابلیت‌های عملیاتی و تجهیزاتی و همچنین قدرت معنوی و روحیه مقاومتی و دشمن‌ستیز فرمانده و کارکنان نیروهای دریایی ج.ا.ایران و اراده پاسخگویی رهبران نظام و فرماندهان عالی نظامی به هر متجاوزی به حریم امنیتی کشور، موجب گردیده که آمریکایی‌ها در خلیج فارس به دنبال ماجراجویی نباشند و از نقض حریم و حقوق دریایی ج.ا.ایران به شدت پرهیز کنند تا حادثه و برخوردی ایجاد نشود، رفتار ناوگان آمریکا در خلیج فارس پس از جنگ تحمیلی، احتیاطی و گریز از برخورد بوده است. نیروی دریایی آمریکا هم اکنون در منطقه، چندین رزمناو دارد، و به فرماندهان آنها یادآوری می‌شود، اجازه ندهند هیچ‌گونه رویارویی با ایرانی‌ها رخ دهد. در نظرسنجی از فرماندهان، صاحب‌نظران دریایی و امور راهبردی در مورد عواملی که موجب موفقیت راهبرد بازدارندگی ج.ا.ایران در مقابل آمریکا شده نتایج به شرح زیر می‌باشد:

پرسش (۱). ژئوپلیتیک سواحل جنوبی ایران به چه میزان در افزایش قابلیت و موفقیت ج.ا.ایران در جنگ ناهمگون دریایی با نیروی دریایی آمریکا مؤثر بوده و موجب بازدارندگی آمریکا از تهاجم نظامی به ایران شده است؟ ۹۰٪ پاسخ‌دهندگان، گزینه زیاد و خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند.

پرسش (۲). هرگونه ناامنی با احتمال بسته شدن تنگه هرمز و میزان تأثیر بالای انرژی این منطقه در اقتصاد جهانی و عبور حدود یک سوم نفتکش‌ها از تنگه هرمز، چه میزان می‌تواند موجب بازدارندگی آمریکا از تهاجم نظامی به ایران شود؟ ۷۹٪ پاسخ‌دهندگان، نظرشان بر گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد می‌باشد.

پرسش (۳). توانایی عملیاتی و تجهیزاتی (مین‌گذاری، قایق‌های تندرو، زیردریایی‌ها، توان موشکی و...) ایران در خلیج فارس در بازدارندگی آمریکا در تهاجم به منافع ج.ا.ایران چه میزان تأثیر داشته است؟ ۷۹٪ پرسش‌شوندگان به گزینه تأثیر زیاد و خیلی زیاد رأی داده‌اند.

پرسش (۴). تفوق معنوی نیروی دریایی سپاه پاسداران به‌عنوان یکی از عوامل برترساز، به چه میزان در پیروزی ایران و موفقیت در جنگ احتمالی در خلیج فارس مؤثر و موجب بازدارندگی آمریکا از تهاجم نظامی به ایران شده است؟ ۸۹٪ نمونه آماری به تأثیر زیاد و خیلی زیاد این عامل در بازدارندگی آمریکا از برخورد نظامی با ایران، نظر موافق دادند.

پرسش (۵). راهبرد دریایی نیروهای دریایی ج.ا.ایران (نبرد ناهمگون) در سه دهه گذشته به چه میزان در بازدارندگی نیروی دریایی آمریکا در اقدام علیه ایران مؤثر بوده است؟ ۸۶٪ پاسخ‌دهندگان به تأثیر زیاد و خیلی زیاد این راهبرد در بازدارندگی آمریکا از درگیری و برخورد با ج.ا.ایران در خلیج فارس نظر موافق دادند.

با وجود همه لفاظی‌های دست‌اندرکاران جنگ در آمریکا، این کشور به راحتی نمی‌تواند به ایران حمله کند؛ زیرا ج.ا.ایران دارای یکی از قوی‌ترین نیروهای نظامی است که آمریکا در دهه‌های گذشته با آن مواجه بوده است. ج.ا.ایران، تفاوت بسیار چشمگیری با گرانا، پاناما، سومالی، هائیتی، بوسنی، صربستان، افغانستان و عراق دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

(۱) جمع‌بندی

تا سال ۲۰۲۵ میلادی، نفت همچنان مهم‌ترین منبع انرژی جهان (۳۹٪ مصرف کل انرژی و برای آمریکا ۴۱٪ مصرف کل انرژی) محسوب می‌شود. رشد مصرف انرژی آمریکا بیشتر از تولید است. با افزایش رشد تقاضای انرژی، وابستگی این کشور به واردات افزایش یافته است؛ به گونه‌ای که بیش از یک‌سوم مصرف انرژی در سال ۲۰۲۵ میلادی، وارداتی می‌شود. با افزایش واردات نفت، وابستگی این کشور به کشورهای تولیدکننده نفت حوزه خلیج فارس در حال افزایش است. آمریکا از زمان «کارت» تا «اوباما» همچنان گرفتار مسائل خلیج فارس است و البته در حل مسائل کلیدی این منطقه ناتوانی خود را نشان داده است. وابستگی اقتصاد جهانی و به‌ویژه کشورهای صنعتی و پیشرفته جهان به منابع انرژی منطقه خلیج فارس به حدی است که اگر این کشورها از دسترسی به منابع انرژی این منطقه محروم شوند، نتیجه‌اش به احتمال فراوان ورشکستگی و به دردمس افتادن متحدان و اقتصاد جهانی خواهد بود.

خاورمیانه از جمله مناطقی است که همواره مورد توجه آمریکا بوده و برای آن کشور اهمیت حیاتی دارد، چنانکه آمریکا برای حفظ سلطه خود بر اقتصاد و سیاست بین‌المللی، تسلط بر این منطقه را به طور مداوم در دستورکار خود قرار داده است تا از حفظ ساختار محافظه‌کارانه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، امنیت رژیم صهیونیستی و واپایش جمهوری اسلامی ایران مطمئن شود.

مرزهای طولانی ایران در خلیج فارس و دریای عمان و موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران در این منطقه موجب شده که نیروی دریایی ج.ا.ایران از امتیازهای ویژه و منحصر به فردی برخوردار باشد تا در صورت بروز هرگونه درگیری احتمالی و به خطر افتادن امنیت منطقه از این موقعیت به گونه مطلوبی بهره گیرد.

مؤثرترین روش ج.ا.ایران در مقابله با قدرت نظامی آمریکا، استفاده از روش‌های چریکی، جنگ نامنظم و ناهمگون خواهد بود. ایران با استفاده از روش‌های جنگ نامنظم می‌تواند در آب‌های خلیج فارس به ناوگان دریایی آمریکا ضربات سنگینی وارد کند. ایران در تمام مقاطعی که تنش در سطح منطقه افزایش یابد، قادر است که تنگهٔ هرمز و مسیر کشتیرانی مهم برای انتقال نفت را واپایش (کنترل) کند.

ایران، انبار حجیمی مین ضدکشتی در اختیار دارد. این مین‌ها از ابزارهای انفجاری بسیار ساده که بر اثر برخورد منفجر خواهند شد تا مین‌های بسیار پیشرفته که می‌تواند در بستر دریا کار گذاشت، را شامل می‌شوند. کشف و خنثی کردن این مین‌ها می‌تواند برای نیروی دریایی آمریکا یک دردسر بزرگ ایجاد کند. از دیگر تسلیحات ایران، اژدرهایی است که آنها را می‌توان از عرشهٔ هر نوع کشتی و زیردریایی شلیک کرد که بسیار خطرناک می‌باشد، بنابراین کشف موقعیت و ردیابی آنها برای آمریکا دشوار خواهد بود.

تجهیزات دیگری که ایران با استفاده از آن می‌تواند راهبرد جنگ ناهمگون را در آب‌های خلیج فارس پیش ببرد، قایق‌های سبک و تندرو هستند. استفاده از تعداد بسیار زیادی از این قایق‌های سبک و توپدار می‌تواند امنیت یک ناو جنگی را به خطر بیندازد. مقابله به مثل‌های انجام شده توسط نیروی دریایی ایران به قلدرمآبی‌های آمریکا و هم‌پیمانانش در جریان جنگ نفتکش‌ها و عملیات انجام شده توسط پایگاه دریایی اروندکنار که منجر به محاصرهٔ ناو کورناوال انگلیسی و تسلیم ملوانان و تفنگداران دریایی این کشور شد، نشانگر روحیهٔ بالا و دشمن‌ستیز فرماندهان و کارکنان فداکار نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که به‌عنوان عاملی برترساز موجب عقب‌نشینی آمریکا در جنگ نفتکش‌ها و انگلیسی‌ها از تعدی به حریم آب‌های سرزمینی ایران شده است و در هر نبردی در آینده نیز از نگرانی و دغدغه‌های هر متجاوزی به حریم امنیتی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

با نگاهی به نتیجه رزمایش آمریکا که در سیزده سال پیش، در دوران ریاست رامسفلد بر وزارت دفاع آمریکا انجام شد و براساس شرایط احتمالی وقوع جنگ در آب‌های خلیج فارس طرح‌ریزی و اجرا شده بود، نتایج این تمرین، زنگ خطر جدی برای ارتش آمریکا بود؛ چون در پایان آن مشخص شد که اگر نیروهای مسلح ج.ا.ایران بتوانند به طور مؤثر از تمام روش‌های جنگ نامنظم استفاده کنند، ضربه‌های بسیار سنگینی به نیروی دریایی آمریکا خواهند زد.

در مورد قدرت موشکی ج.ا.ایران نیز باید گفت نگرانی نیروی دریایی آمریکا بیش از آنکه موشک‌های دوربرد ایران باشد، موشک‌های با برد کوتاه و سبک از نوع اسکاد است که آنها را می‌توان روی هر سکوی در حال حرکتی نصب کرد و از واپایش رادارها گریخت. عواملی که موجب بازدارندگی کاهش تهدیدهای آمریکا علیه ایران شده، افزون بر نیاز کشورهای منطقه و جهان به ثبات و امنیت دائمی منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز که لازمه تجارت جهانی و صدور نفت از این منطقه می‌باشد عبارتند از:

- (۱) اراده ملی و انگیزه عالی مسئولان ج.ا.ایران، فرماندهان و پایوران نظامی در دفاع از سرزمین و کیان ج.ا.ایران،
- (۲) توانایی بالای ج.ا.ایران در مدیریت جنگ احتمالی آینده،
- (۳) تسلط کامل نیروهای دریایی ج.ا.ایران بر منطقه خلیج فارس به‌ویژه تنگه راهبردی هرمز،
- (۴) عدم اطمینان مسئولان آمریکا از چگونگی عملکرد جمهوری اسلامی ایران پس از شروع جنگ،
- (۵) توانایی فرسایشی کردن جنگ از سوی ج.ا.ایران،
- (۶) از بین رفتن پایگاه‌های آمریکا در کشورهای منطقه، پس از وقوع جنگ توسط ج.ا.ایران،

(۷) ناتوانی آمریکا در دفاع از خود (این موضوع در عملیات مقابله به مثل، اثبات شده است)،

(۸) آسیب‌پذیری‌های راهبردی کشورهای منطقه خلیج فارس در صورت وقوع جنگ با ج.ا.ایران،

(۹) عدم هماهنگی منافع جهانی با اقدام آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران. از این رو با توجه موارد مشروحه و تحلیل آماری نظر خبرگان نظامی که مثبت بودن جهت همبستگی و ضریب بالای همبستگی بین متغیرها را نشان می‌دهد، عوامل برشماری شده، تأثیر زیادی در بازدارندگی آمریکا در تهاجم نظامی به ج.ا.ایران داشته است.

(۲) پیشنهادها

بی‌شک برنامه‌های نظامی ج.ا.ایران باید در چارچوب راهبرد ملی باشد. بی‌توجهی به هر یک از فرصت‌ها و تهدیدهای مهم داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در ابعاد امنیت نظامی و غیرنظامی، استعداد آن را دارند که زمینه‌ساز بحران‌های داخلی و حتی بین‌المللی برای کشورمان باشند. باید به این نکته اساسی توجه کرد که منافع حیاتی کشور در گرو امنیت تنگه هرمز است و این، هم در تصویرسازی از ج.ا.ایران و هم در واقعیت اقتصادی کشور، نقش محوری بازی می‌کند. هر اقدام و کلامی که انعکاس ایجاد ناامنی محتمل توسط ایران در تنگه هرمز، به‌عنوان آغازگری و پیشدستی، برای مقابله با یک تهدید در گفتمان ادبیات دفاعی کشور باشد، در نهایت، به زیان ج.ا.ایران است و در راستای هدف‌ها و طرح‌های جناح جنگ‌طلب در آمریکاست، که تلاش زیادی در برخورد نظامی با ایران دارد و حتی ممکن است برای چنین طرحی، تله‌گذاری هم نمایند، از این رو باید با خویشتنداری از افتادن به دام دشمن به شدت پرهیز شود و در تنگه هرمز و خلیج فارس که ایران، منافع حیاتی و آسیب‌پذیر دارد، اجازه ناامنی نداد و مطالبه ج.ا.ایران از کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای تأمین امنیت این منطقه و گذرگاه حیاتی باشد و باید از هر

گفتار و رفتاری که تداعی‌کننده تهدید و ناامنی و موجب سوءاستفاده دشمنان ج.ا.ایران شود، به شدت پرهیز شود. پیشنهادهای زیر با بهره‌گیری از نظر خبرگان (مصاحبه) و تحلیل محتوایی اطلاعات گردآوری شده (کتابخانه‌ای - میدانی) ارائه شده است:

(۲-۱) شناخت دشمن

اطلاعات موجود نشانگر تلاش مستمر آمریکا در جهت مقابله با توانمندی‌های ج.ا.ایران به‌خصوص در حوزه دریا و هدف‌های متحرک (سکوهای موشکی و شناورهای تندرو) می‌باشد و بخش مهمی از این طرح‌ها به مرحله عملیاتی رسیده و در منطقه پیرامونی کشور آزمایش شده که نیاز است نسبت به آن حساسیت‌های لازم اعمال و بررسی‌های دقیق و کارشناسانه انجام شود تا به فرمایش فرماندهی معظم کل قوا، دچار غافلگیری نشد و بتوان صحنه جنگ را مطابق خواست خود شکل داد و دشمن را از توانایی‌هایش محروم کرد. ابتکار عمل، ابداع کنش و راهکنش‌ها و تجهیزات نو از الزام‌های اساسی در تحقق هدف‌های مورد نظر و دفاع از منافع امنیت ملی کشور است و این، مستلزم شناخت دقیق دشمن و هدف‌های متغیر آن است. شناخت دشمن شامل نیات، تفکر، هدف‌ها، رهنامه، راهبرد، راهکنش، توانایی‌ها (ابزار، تجهیزات و...) است که در نتیجه مطالعه، بررسی، تحقیق و کشف اسرار دشمن و با برآوردهای دقیق اطلاعاتی به دست می‌آید. با برآورد می‌توان به ابعاد، شدت، دامنه، سازمان و ابزار تهدید و همچنین روش‌های اعمال تهدید دست یافت.

(۲-۲) ضرورت تدوین راهبرد کلان نظامی

بی‌شک برای کشوری مانند ج.ا.ایران با طیف وسیعی از تهدیدها و فرصت‌ها در محیط داخلی و بین‌المللی، بدون برخورداری مؤثر از یک نظام طرح‌ریزی راهبردی و آن هم بدون پیروی از یک راهبرد کلان ملی، تدوین راهبرد دریایی مناسب و کامل مقدور

نخواهد بود. تنها بر پایه یک راهبرد ملی است که می‌توان همه مؤلفه‌های قدرت ملی را به دقت محاسبه کرد و بر پایه واقعیت‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها را تعیین نمود و با بهره‌گیری از این فرصت‌ها، مزیت‌ها و قابلیت‌های ملی، ضعف‌ها و آسیب‌پذیری‌ها را در ابعاد مختلف مورد توجه قرار داد و برای رفع آن، اقدام نمود تا هدف‌های امنیت ملی محقق شود. بدیهی است ج.ا.ایران باید بتواند مؤلفه‌های بازدارندگی خود (موشکی، دریایی، نهضتی و...) را ضمن ارتقای کیفی از نظر کمی نیز افزایش داده و متنوع سازد که راهکار آن، تدوین راهبرد امنیت ملی و به‌کارگیری و تمرکز بخشیدن به مؤلفه‌های قدرت ملی به‌منظور تولید قدرت و افزایش مؤلفه‌های بازدارندگی در سطح راهبردی و تهیه طرح‌های مربوط به بسیج ملی و به‌کارگیری همه امکانات ملی در خدمت دفاع، می‌باشد.

(۲-۳) تدوین راهبرد ۵ یا ۱۰ساله نیروهای دریایی ج.ا.ایران

تدوین یک راهبرد دریایی مناسب و کامل با هدف افزایش قدرت نیروهای دریایی ج.ا.ایران و در راستای راهبرد امنیت ملی در سال‌های آتی یک ضرورت است تا با راهبرد توسعه‌ای نیروهای دریایی نسبت به رفع معایب و نقایص سازمانی، نیروی انسانی، راهکنش‌های رزمی، آموزش و افزایش قابلیت تجهیزاتی (دستیابی به سلاح‌های جدید و نوین برترساز) به‌منظور ارتقای بازدارندگی در مقابل قدرت‌های متعارف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، متناسب با ماهیت جنگ‌های آینده، توانایی‌ها، آسیب‌پذیری‌ها و هدف‌های دشمن اقدام گردد. از این‌رو، راهبرد عملیاتی ایران در دریا افزون بر استفاده از مین، عملیات چریکی، قایق‌های تندرو و مأموریت‌های ضربه و فرار، موشک‌های کروز و اژدرهای ضد ناو و عملیات زیردریایی، باید متمرکز بر روی راهبرد هوایی و به‌ویژه موشکی باشد؛ وجود عمق راهبردی، از امتیازهای ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران در صورت وقوع یک درگیری نظامی تمام عیار خواهد بود. تاکنون راهبرد ناهمگون نیروهای دریایی ج.ا.ایران و اراده پاسخگویی به هر گونه تعدی به منافع ج.ا.ایران بدون

هیچ گونه ملاحظه‌ای، در بازدارندگی ناوگان دریایی آمریکا در خلیج فارس علیه امنیت ملی ج.ا.ایران بسیار مؤثر بوده است.

(۲-۴) بازنگری جدی نسبت به زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی استان‌های جنوبی و تقویت سازوکارهای مربوط به بسیج دریایی و بنادر توسعه این مناطق با هدف پشتیبانی از نیروهای دریایی ج.ا.ایران می‌تواند بر مبنای کمک به امر امرار معاش و گسترش مشاغل باشد که بهره دو سویه مردمی و نظامی داشته باشد. البته محرومیت این مناطق می‌تواند در مواقع بحران به‌عنوان پاشنه آشیل ج.ا.ایران محسوب شود.

(۲-۵) توجه ویژه به پایوران نیروهای دریایی

آنچه که در دهه‌های گذشته در دفاع مقدس و مقابله با ارتش بعث عراق و همچنین در عرصه دریا و در نبرد با آمریکا و متحدانش در خلیج فارس، به ایران عزت بخشید و در عملیات متعدد مقابله به مثل دریایی و دفاع از شرف و کیان ملت ایران، خوش درخشید، نیروی انسانی مؤمن، متعهد، جهادی، شجاع، با اراده، خستگی‌ناپذیر، از خود گذشته، تکلیف‌گرا، شهادت‌طلب و مطیع رهبر بود که لازم است برنامه‌ریزی مناسبی برای حفظ و ارتقای این روحیه و رفع مشکلات مادی و معنوی پایوران نیروهای دریایی در دستورکار قرارگیرد؛ چرا که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های بازدارندگی در مقابل دشمنان وجود چنین نیروهایی است.

منابع و مآخذ

۱. منابع فارسی

۱. اسپوزیتو، جان (۱۳۸۸)، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، چاپ سوم، تهران، نشر مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۲. بوزان، باری و ویور، الی (۱۳۸۸)، *مناطق و قدرت‌ها*، ترجمه رحمان قهرمان‌پور، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. بی‌نام (تابستان ۱۳۸۸)، «ویژگی‌های تهدید نامتقارن از نگاه آمریکایی‌ها»، *فصلنامه حصون*، شماره ۲۰.
۴. بی‌نام (۱۳۸۶/۹/۲۲)، «رزمایش نیروی دریایی آمریکا...»، *روزنامه عصر ایران*.
۵. بی‌نام (۱۳۹۱/۵/۷)، «تاکتیک‌های هجوم پرتعداد»، *روزنامه جوان*.
۶. بی‌نام (۱۳۸۲)، *مقدمه‌ای بر جنگ غیرمتراز*، تهران، انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد آجا، معاونت آموزش.
۷. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۶)، *اقتصاد سیاسی بین‌الملل و تغییرات قدرت آمریکا*، تهران، انتشارات مرکز مطالعات خاورمیانه.
۸. پوررضایی، نقی (۱۳۹۰)، *ویژگی نیروها در جنگ آینده*، تهران، مرکز مطالعات راهبردی ندسا.
۹. تنگسیری، علیرضا (۱۳۹۱)، *تجهیزات نیروی دریایی سپاه پاسداران*، در مصاحبه اختصاصی با پژوهشگر.
۱۰. خوش‌آیند دولت‌آباد، حمید (۱۳۹۱/۲/۱۰)، «اهمیت خلیج فارس برای ایران»، *روزنامه مردم‌سالاری*.
۱۱. دولتیار، مصطفی (۱۳۷۲)، *رژیم حقوقی تنگه‌های بین‌المللی با تأکید بر مسائل حقوقی تنگه هرمز*، تهران، نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
۱۲. رستمی، علی‌اکبر، جلوداری، سیفا... (بی‌تا)، *ماهیت جنگ‌های احتمالی آینده علیه ج.ا.ایران در خلیج فارس*، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی ندسا.
۱۳. رفیعی، عبدا... (۱۳۸۱/۹/۲۰)، «بازنگری جایگاه استراتژیک خلیج فارس و جزایر ایرانی»، *روزنامه ایرار*.
۱۴. زارعی، بهادر (۱۳۷۸/۶/۱۴)، «جغرافیای سیاسی خلیج فارس»، *روزنامه رسالت*.
۱۵. سنجابی، علیرضا (۱۳۷۵)، *استراتژی و قدرت نظامی*، تهران، انتشارات پازنگ.
۱۶. سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۶)، *نظریه پردازی در روابط بین‌الملل؛ مبانی و قالب‌های فکر*، تهران، سمت.
۱۷. صالح، اصغر و جلوداری، سیفا... (بی‌تا)، *دکترین مطلوب دفاع دریایی ج.ا.ا. در خلیج فارس*، مرکز مطالعات علوم دفاعی و تدوین آیین‌نامه‌های رزمی ندسا، تهران، دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۱۸. طلوعی، محمود (۱۳۶۶)، *نبرد قدرت‌ها در خلیج فارس*، چاپ اول، تهران، انتشارات نشر.

۱۹. عسگرخانی، ابومحمد (زمستان ۱۳۷۷)، «سیری در نظریه‌های بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای»، *نشریه سیاست دفاعی*، شماره ۲۵.
۲۰. عسگری، محمود و ترابی، قاسم (۱۳۹۲)، بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در عرصه دریایی، *نامه دفاع*، شماره اول.
۲۱. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۳)، *امنیت بین‌الملل*، تهران، انتشارات مؤسسه ابرار معاصر تهران.
۲۲. علایی، حسین (۱۳۹۱)، *راهکارهای ارتقای امنیت خلیج فارس با اتکا به ظرفیت‌های محلی*، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی ندسا.
۲۳. فاست، لویس (۱۳۸۹)، *روابط بین‌الملل خاورمیانه‌ای*، ترجمه دکتر احمد سلطانی‌نژاد، چاپ دوم، تهران، نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۴. قربانی، حسین (۱۳۸۵)، *آیین‌نامه‌های رزمی ندسا*، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی ندسا.
۲۵. موسوی شفاقی، مسعود (۱۳۸۸)، *هژمونی آمریکا در عصر نومحافظه‌کاران*، سمنان، انتشارات دانشگاه سمنان.
۲۶. مشیرزاده، حمیرا (تابستان ۱۳۸۰)، «طرح دفاع موشکی آمریکا»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال پانزدهم.
۲۷. مکنزی، کنت (۱۳۸۲)، *جنگ نامتقارن*، مترجم حسین محمدی‌نجم، محمد تمنایی و احمد صدقی، تهران، دوره عالی جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۲۸. واعظی، محمود (۱۳۸۹)، *نفت و سیاست خارجی*، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده تحقیقات راهبردی.

۲. منابع انگلیسی

1. DoD (Jan 2012), *Defense Strategic Guidance, Sustaining US Global Leadership: Priorities for the 21st Century Defense*, Washington, DoD.
2. Snyder, Glenn H(1961), *Deterrence and Defence: Toward a Theory of National Security*, Princeton, Princeton University Press.
3. <http://poostwer.blogfa.com/post>
4. www.bp.com/statisticalreview
5. www.persiangulfstudies.com